

# زبان فارسی و گویش های ایرانی

سال دوم، دوره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، شماره پیاپی ۴

## تکرار در گویش تالشی

دکتر شهین شیخ سنگ تجن<sup>۱</sup> ✉

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۲۶

تاریخ دریافت: ۹۶/۳/۱

### چکیده

فرایند تکرار نوعی واژه‌سازی است که در آن عنصری به پایه اضافه می‌شود، این عنصر که جزء مکرر نامیده می‌شود، گاه خود پایه و گاهی بخشی از آن است که در چپ، راست و یا میان پایه تکرار می‌شود. هدف از پژوهش حاضر بررسی انواع تکرار براساس نظر کافمن (۲۰۱۵) در تالشی است. همچنین به بررسی کاربرد دستوری و معنایی انواع تکرار و تحلیل آوایی هجاهای شرکت‌کننده در این فرایند در واژه‌های مکرر تالشی جنوبی پرداخته‌ایم. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است و داده‌های پژوهش به دو صورت اسنادی و میدانی گردآوری شده‌اند. نتایج نشان داده است که انواع تکرار، غیر از دوگان‌سازی اسم و تکرار shm (افزودن shm به ابتدای واژه‌های مکرر) در تالشی به کار می‌رود. همچنین از انواع کاربردها و تحلیل معنایی عنوان‌شده کافمن؛ شدت، افزایش و تقویت؛ کثرت و جامعیت در تالشی کاربرد بیشتری دارند. بررسی آواهای این گویش نیز نشان داد که در کلمات تک‌هجایی، ساخت هجایی CVC از بالاترین بسامد و در کلمات دوهجایی ساخت هجایی CV-CV و نیز CV-CVC از پُررخدادترین ساخت‌های شرکت‌کننده در فرایند تکرار بوده‌اند.

**واژگان کلیدی:** فرایند تکرار، ساخت‌واژه، ساخت هجا، کاربرد تکرار، گویش تالشی

✉ Shsheikh226@yahoo.com

۱. استادیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور رشت

## ۱- مقدمه

زبان‌های ایرانی نو را به شیوه سنتی به دو گروه اصلی غربی و شرقی می‌توان تقسیم نمود که هر یک از اینها زیرگروه‌های شمالی و جنوبی دارند (اشمیت<sup>۱</sup>، ۱۳۸۲: ۴۱۲). مبنای اصلی این تقسیم‌بندی‌ها به عقیده اشمیت (همان‌جا) نوآوری‌ها و ابقای مواردی است که پیشتر در دو زبان شناخته‌شده ایرانی باستان، یعنی فارسی باستان (جنوب غربی) و اوستایی (غیر جنوب غربی) و نیز در زبان‌های ایرانی میانه، یعنی فارسی میانه (جنوب غربی)، پارتی (شمال غربی)، سغدی، سکایی، خوارزمی و بلخی (شرقی) بازتاب داشته‌اند.

تالشی از زبان‌های ایرانی شمال غربی است و در امتداد کرانه‌های دریای خزر تا منتهی‌الیه جنوب شرقی جمهوری آذربایجان رواج دارد. از گونه‌های آن ماسالی، لریک، لنکران و آستارا است. در ایران نیز لهجه‌های آن در شرق استان آذربایجان و غرب گیلان رایج است و عبارت‌اند از وزنه، تولارود، اسالم، پره‌سر، شاندرمن، ماسال و ماسوله و زیده (همان: ۴۸۹). این لهجه‌ها در سه گروه عمده؛ تالشی شمالی، مرکزی و جنوبی جای دارند. تالشی شمالی از آن سوی ارس یعنی جمهوری آذربایجان شروع شده و ادامه آن در ایران تا کرگان‌رود تالش پیش رفته‌است. تالشی مرکزی در قلمرو دو رودخانه شفارود در جنوب و ناورود در شمال تداول دارد. تالشی جنوبی، تالشی مناطق میان شفارود تا سفیدرود است که شامل خوشابری، ماسالی، ماسوله‌ای، سیاهمزیگی و دیگر گویش‌هایی جلگه‌ای گیلان است (رضایتی، ۱۳۸۶: ۱۹).

پژوهش حاضر به بررسی یکی از فرایندهای ساخت‌واژی در گویش تالشی جنوبی می‌پردازد و در تحلیل داده‌ها تمایزات ظریف آوایی و واجی را از نظر دور می‌دارد.

واژه‌سازی در هر زبان براساس قواعد و بسته به نیازهای زبانی گویشوران صورت می‌گیرد. ترکیب، اشتقاق یا وندافزایی از زیاترین فرایندهای واژه‌سازی در همه زبان‌ها هستند. وندافزایی دو ویژگی اصلی دارد: صورت حاصل از آن متشکل از یک پایه و تکواژی است که به آن افزوده می‌شود؛ وند یا جزء افزوده‌شده دارای صورت ثابتی است و در تمامی موارد هنگامی که به پایه‌های مجاز متصل می‌شود، صورت ثابتی خواهد داشت (شقایق، ۱۳۷۹: ۵۲۲).

نوع دیگری از واژه‌سازی در برخی زبان‌ها متداول است که شباهت‌های زیادی با وندافزایی دارد اما ویژگی دوم در آن صدق نمی‌کند. زبان‌شناسان این فرایند را تکرار می‌نامند. تکرار یا دوگان‌سازی معادل Reduplication است که در آن re به معنای دوباره و duplication به

1. Schmitt

معنای double دوبله و دوگان کردن است. این دوگان‌شدن در آواها یا کل کلمه (در ریشه یا ستاک) محسوس است. تکرار در برخی زبان‌ها رایج است و سبب تغییر معنا به لحاظ کثرت، قلت، تقویت، تأکید و نیز تغییرات دستوری زمان و جمع اسامی می‌شود (کافمن، ۲۰۱۵: 1-3). در این پژوهش براساس نظر کافمن (۲۰۱۵) علاوه بر تعیین مقولات دستوری طبقات به دست آمده از واژه‌های مکرر، به انواع تکرار در این گویش و بررسی کاربرد دستوری و معنایی عناصر تکرار شونده خواهیم پرداخت و در نهایت تحلیل آوایی از ساخت‌های هجایی کلمات پایه و جزء مکرر ارائه خواهد شد. این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ این پرسش‌هاست: کدام فرایند تکرار در تالشی وجود دارد و چه بسامدی دارد؟ کاربردهای دستوری و معنایی فرایند تکرار در این گویش چگونه است؟ پایه و جزء مکرر چه ساخت هجایی دارد و پربسامدترین ساخت هجایی در فرایند تکرار در تالشی کدام است؟

روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است و پیکره داده‌ها به روش میدانی و اسنادی جمع‌آوری شده است. در روش میدانی از گویشوران تالشی گیلان همچون ماسال و شاندرمن، شفت و فومن کمک گرفته‌ایم. نگارنده خود نیز دارای ششم زبانی تالشی است. در روش اسنادی به بررسی و مطالعه کتاب‌هایی چون *تالشی‌نامه* از نصرتی سیاهمزیگی (۱۳۸۶) و *لغت‌نامه تالشی*-فارسی رفیعی (۱۳۸۶) پرداخته‌ایم.

## ۲- پیشینه تحقیق

برخی از زبان‌شناسان و دستورنویسان همچون شریعت (۱۳۷۰: ۱۹۶)، کلباسی (۱۳۸۰: ۷۱-۶۶)، نوبهار (۱۳۷۲: ۲۳۰)، مشیری (۱۳۷۹) و لازار (۱۳۸۴: ۳۱۵) مانند انوری و گیوی (۱۳۶۶: ۱۰۲) تکرار را با عنوان اتباع معرفی کرده و معتقدند که اسم، صفت یا اسم صوت با هموزن‌های خود ترکیب شده و کلمه حاصل مهمل یا ترکیب عامیانه نامیده می‌شود، چراکه این ساخت مخصوص زبان محاوره است ولی گاه در نظم و نثر هم به کار می‌رود.

شقاقی (۱۳۶۷: ۲۲-۲۰) معتقد است «در ساخت اتباع، وند دوگانی به صورت پیشوند، میانوند یا پسوند به کمک واژه‌بست O و یا بدون آن به واژه پایه افزوده شده، مفهوم و معنای واژه را تعمیم می‌دهد و یا بر آن تأکید می‌کند ... اتباع در دستور زبان فارسی از مقوله اسم، صفت یا قید به شمار می‌رود و گاه پس از ترکیب با واژه‌های دیگر نقش فعل را عهده‌دار می‌شود». وی

در مقاله‌ای فرایند تکرار کامل<sup>۱</sup> و ناقص<sup>۲</sup> را متمایز کرده و نوشته: «فرایند تکرار کامل را می‌توان نوعی ترکیب به شمار آورد. فرایند تکرار ناقص با تکرار بخشی از پایه و قرار دادن آن بخش مکرر یا وند دوگانی قبل یا بعد از پایه عمل می‌کند. باتوجه به ساختار کلمات در وند دوگانی و نحوه قرار گرفتن این اجزا در کنار هم می‌توان انواع فرایند تکرار را به تکرار کامل شامل تکرار محض و تکرار کامل همراه با تکواژ دستوری (که خود قابل تفکیک به تکرار کامل میانی و پایانی است) و تکرار ناقص شامل تکرار ناقص پیشوندی و پسوندی تقسیم کرد.

راسخ مهند (۱۳۸۸) به بررسی معنایی تکرار در زبان فارسی پرداخته و براساس دیدگاه موراوچیک، رژیه و کاجیتانی معنای واژه‌های مکرر را در چهار طبقه افزایش کمیت، کاهش کمیت، افزایش شدت و کاهش شدت بررسی نموده و ساختارها و معنای واژه‌ها را در تکرار کامل و تکرار ناقص بر حسب نمودار و سلسله‌مراتب معنایی مشخص کرده‌است. به اعتقاد وی تکرار در اسم، فعل، صفت و قید هست اما در طبقه حروف اضافه و سایر طبقات دستوری وجود ندارد. نام‌آواها نیز به دلیل نامشخص بودن پایه در طبقه‌بندی وی نیامده‌اند. تکرار اسم بیشترین و تکرار قید و فعل کمترین بسامد را دارند.

شقایق و حیدرپور بیدگلی (۱۳۹۰) تکرار را براساس نظریه بهینگی توصیف کرده‌اند. به اعتقاد آنها نباید تکرار را فرایندی کپی یا وندافزایی ساده تلقی کرد، بلکه باید «به‌طور دقیق بدانیم کدام بخش از پایه کپی می‌شود و چرا، و چه ویژگی‌های خاصی در ساخت صرفی، واجی و نوایی زبان‌ها این ویژگی‌های مکرر را رقم می‌زند. از دیدگاه صرفی شاید بتوان تکرار را براساس ویژگی‌های صرفی- نحوی و نیز جایگاه خطی جزء مکرر نسبت به پایه، صرفاً وندافزایی تلقی نمود اما براساس واج‌شناسی نمی‌توان ویژگی جزء مکرر به‌ویژه واژه‌های مکرر ناقص را از روی محتوای زنجیری آن به‌طور کامل تعیین نمود. محتوای زنجیری جزء مکرر از روی پایه‌ای که در این فرایند شرکت می‌کند، کپی می‌شود. درحالی‌که ویژگی‌های زبرزنجیری یا نوایی آن را نظام آوایی زبان مشخص می‌کند». آنها نشان دادند که «جزء مکرر و نیز واژه مکرر حاصل از این فرایند دارای هویت واجی و نوایی‌اند. لذا می‌توان با در نظر گرفتن محدودیت‌های واجی و نوایی در کنار محدودیت‌های ساخت‌واژی که در نظریه بهینگی مطرح است، و مرتبه‌بندی آنها در بافت‌های مختلف مانند جزء مکرر و پایه در تکرار کامل و نیز تمایل جزء مکرر به بی‌نشانی در تکرار کامل پژواکی و تکرار ناقص در زبان فارسی توصیف نمود».

- 
1. Full reduplication
  2. Partial reduplication

محمودی بختیاری و ذوالفقار کندی (۱۳۹۴) براساس زبان‌شناسی پیکره‌ای به بررسی تکرار کامل در واژه‌های مکرر زبان فارسی پرداختند. پیکره پژوهش آنان ۲۹۹ واژه با تکرار کامل از لغت‌نامه دهخدا بود و به بررسی ساختارهای حاصل از واژه‌های مکرر و ویژگی‌های معنایی جزء دوگانی پرداختند. نتایج بررسی آنها برخلاف راسخ مهند (۱۳۸۸) نشان داد که غیر از اصوات، ساخت غالب در دوگان‌سازی قید است و معنای قلت نیز نسبت به دیگر معانی (کثرت، معنای نو و تأکیدی) بسامد بیشتری دارد. در مواردی متعدد، معنای ساخت حاصل، ربطی به معنای اجزای دوگانی نداشته و معنایی کاملاً جدید و متفاوت ایجاد شده‌است.

رضایتی و سلطانی (۱۳۹۴) با توجه به الگوی ساخت‌واژی به بررسی تکرار کامل و تکرار ناقص در واژه‌های مکرر فارسی پرداخته و نشان داده‌اند که مقولات دستوری به‌دست‌آمده از تکرار گاه می‌تواند متفاوت با مقولات دستوری پایه و جزء مکرر باشد. به لحاظ معنایی نیز مهم‌ترین معنای واژه‌های مکرر نوعی معنای تقلیل‌گرایانه و یا افزایشی است که در پس‌زمینه معنای ظاهری و مجازی تداعی می‌شود.

تکرار را در گویش‌هایی ایرانی نیز بررسی کرده‌اند. فیاضی (۱۳۹۲: ۱۴۹-۱۵۱) براساس طبقه‌بندی حیدرپور (۱۳۹۰) و شقاقی (۱۳۶۷) واژه‌های مکرر گیلکی را بررسی نموده و نتیجه گرفته «در گیلکی اسم، فعل، صفت، قید، نام‌آوا و عدد در تکرار شرکت می‌کنند اما با اینکه ترکیبات نحوی، واژه مکرر می‌سازند، هیچ نمونه‌ای دال بر مشارکت جمله مانند 'منم منم' یا 'چه کنم چه کنم' فارسی وجود ندارد ... واژه‌هایی که در تکرار گیلکی شرکت می‌کنند، ممکن است تک‌هجایی، دوهجایی، سه‌هجایی و در یک مورد چهارهجایی باشند... واژه‌های دوهجایی بیشترند و پایه تکرار ناقص قرار گرفته‌اند. بسامد واژه‌های تک‌هجایی نیز در مقایسه با واژه‌های سه‌هجایی بالاتر است». وی تکرار پژوهشی را جزء تکرار کامل در نظر گرفته و براین اساس برخی واژه‌های مکرر این طبقه با واژه‌های مکرر تکرار ناقص پسوندی یکی شده‌اند. مثلاً «بودوج-وادوج» (دوخت‌ودوز) از یک سو، تکرار ناقص پسوندی است و از سوی دیگر، تکرار کامل پژوهشی.

راسخ مهند و محمدی راد (۱۳۹۲) براساس دیدگاه موراوچیک واژه‌های مکرر کردی سورانی را براساس تکرار کامل و ناقص بررسی نموده‌اند. تحلیل معنایی آنها نشان داد که در میان مفاهیم موراوچیک، برجسته‌ترین معنای حاصل از فرایند تکرار، افزایش کمیت است.

در برخی از بررسی‌های پیشین تنها به تکرار کامل اشاره شده و تکرار ناقص از نظر دور مانده است. در برخی دیگر به دلیل در نظر گرفتن دو نوع تکرار کامل و ناقص شباهت‌هایی وجود دارد. تحلیل معنایی نیز تنها براساس نظریات زبان‌شناسی خاص است. در پژوهش حاضر سعی شده علاوه بر تکرار کامل و ناقص، براساس تطبیق و بومی‌سازی نظرات زبان‌شناسی در تالشی به بررسی انواع تکرار بردازیم. در بررسی معنایی واژه‌های مکرر را با توجه به کاربرد آنها توصیف نموده‌ایم. در تحلیل آوایی هجاهای شرکت‌کننده در فرایند تکرار مشخص شده و هجاهای پُرسامد به دست آمده است.

### ۳- مبانی نظری

تکرار به اعتقاد کافمن<sup>۱</sup> (۲۰۱۵: ۴-۲) انواعی دارد: تکرار کامل، تکرار ناقص، تکرار زبان کودکان<sup>۲</sup>، تکرار وزین<sup>۳</sup>، تکرار با دگرگونی واکه<sup>۴</sup>، تکرار در نام‌آواها<sup>۵</sup>، دوگان‌سازی اسم<sup>۶</sup> و تکرار شم<sup>۷</sup>. در تکرار کامل، واژه اغلب برای پذیرفتن جمع دستوری یا رساندن شدت به کار می‌رود مانند rumah (خانه)، rumah-rumah (خانه‌ها)<sup>(۸)</sup> در زبان مالایی<sup>(۱)</sup>. در تکرار ناقص تنها بخشی از کلمه مانند هجا تکرار می‌شود، مانند chatul (گرهه)، chatatul (بچه‌گرهه) در عبری. در مائوری (زلاندنو) با تکرار ناقص و کامل paki (نوازش کردن) معانی جدیدی به دست می‌آید: papaki (یکبار دست زدن)، pakipaki (تحسین کردن).

به عقیده کریستال (۱۹۹۷: ۲۵۴) تکرار مشخصه‌ای از واج‌شناسی کودکان است. کودک قادر به درک برخی از کلمات زبان است، در حالی که قادر به تولید کامل آنها نیست. این نوع کلمات به صورت هجاهای دوگان‌شده کوتاه می‌شوند. مثلاً در انگلیسی water به صورت wawa تولید می‌شود. این نوع دوگان‌سازی به کلمات دیگر نیز گسترش می‌یابد و بسیاری از آنها را والدین تقویت می‌کنند. کودکان تکرار زبانی را توسعه می‌دهند تا در سنی قادر به بیان کلمه کامل شوند. سن تکرار نکردن بستگی به تقویت والدین دارد.

1. Kauffman
2. Reduplication in baby-talk
3. Rhyming-reduplication
4. Ablaut reduplication
5. Reduplication in Onomatopoeia
6. Name Doubling
7. Shm-reduplication

در برخی زبان‌ها اصطلاحاتی آهنگین تکرار می‌شوند، مانند itsy-bitsy (ریزه‌میزه)، lovey-dovey (پُر عشق و علاقه)، hanky-panky (دورویی)، fuddy-duddy (امل)، hoity-toity (دمدمی مزاج). این نوع تکرار در زبان فارسی نیز وجود دارد. گاه تکرار با دگرگونی واکه‌هاست. این تکرار در انگلیسی، چینی و ژاپنی هست؛ mish-mash, zig-zag. تکرار در نام‌آواها نیز در زبان‌ها واقعیتی جهانی است و تفاوت‌هایی دارد. مثلاً صدای پارس سگ در ژاپنی wanwan، در روسی gavgav، در اسپانیایی gufguf و در کره‌ای mungmung است.

دوگان شدن اسامی برای خویشاوندان نزدیک به کار می‌رود و در انگلیسی و چینی بسیار رایج است. اسم‌های مستعار انگلیسی نمونه‌ای از این نوع تکرار است که برای تحبیب به کار می‌روند؛ Lou-Lou، Jay-Jay، BeBe. تکرار shm نوعی تکرار انتقادی است که به نظر کافمن (۲۰۱۵: ۴-۲) برای کنایه، طعنه و شوخی به کار می‌رود و از زبان یهودیان عبری ساکن نیویورک به غیر عبری‌زبانان شمال شرقی آمریکا منتقل شده‌است. در این نوع که تنها در انگلیسی دیده می‌شود، همخوان یا همخوان‌های ابتدایی پایه تکرار شده حذف و shm به پایه اضافه می‌شود؛

1) Bagel-shmagel, I want a full meal!

نان شیرینی حلقه‌ای! من یک وعده غذایی کامل می‌خواهم!

2) Money- shmoney, you should think it grows on trees?

پول! فکر می‌کنی روی درختان رشد می‌کند؟

3) Help- shmelp, they just stood around and watched us work!

کمک! آنها فقط ایستاده بودند و به کار ما نگاه می‌کردند.

### ۱-۳- کاربردهای تکرار

کاربرد آواهای مکرر در کلمات به تمایزات دستوری و واژگانی منجر می‌شود و تغییرات نسبتاً جزئی یا ژرفی در معنا به وجود می‌آورد. برخی از این تغییرات را کافمن (۲۰۱۵: ۵-۴) ارائه داده‌است:

الف. ساخت جمع: گاهی براساس تکرار کامل و گاه براساس تکرار ناقص اسامی جمع بسته می‌شوند؛ kapal (کشتی)، و kapalkapal (کشتی‌ها) در زبان اندونزیایی.

ب. زمان فعل: در یونانی قدیم زمان کامل با تکرار عنصر اول فعل به دست می‌آمد؛ leipo (من ترک می‌کنم)، leloipa (من ترک کرده‌ام). در فارسی باستان نیز هر فعل از یک ماده تشکیل می‌شد که عبارت بود از ریشه فعل و یک هجای ماده‌ساز. ماده مضاعف از تکرار ریشه به دست می‌آمد؛ ماده dadā از ریشه dā به دست آمده‌است (منصوری، ۱۳۸۴: ۳۲۷).

ب. شدت، افزایش، تقویت: تکرار کامل کلمه یا ستاک می‌تواند معنای آن را تشدید یا تقویت کند؛ kauas (دور)، kauskaus (خیلی‌خیلی دور) در فنلاندی نشانگر شدت. nula (موج)، nulanula (موج بزرگ) در هاوایی با افزایش معنا. igi (تعداد زیادی)، igi-igi-igi-igi (تعداد خیلی زیادی) در اندونزیایی نشانگر شدت.

ت. تخصیص: در برخی زبان‌ها تکرار برای کاربرد واژه در معنای خاصی به کار می‌رود؛ در نروژی، دانمارکی و سوئدی mor (مادر) و mormor (مادرِ مادر)، far (پدر) و farfar (پدرِ پدر) و morfar (پدرِ مادر). نیز در فنلاندی koti (خانه) و kotikoti (خانهٔ پدری).  
ث. کثرت و جامعیت؛ anak (بچه) و anakanak (همهٔ بچه‌ها) در اندونزیایی.

ج. شباهت؛ langti (آسمان) و langti-langti (سقف) در اندونزیایی.

چ. شوخی زبانی: گاه تکرار دسته‌ای از آواهای مهمل تنها برای سرگرمی و بازی زبانی است؛ ziche zacke zicke zacke hoi hoi hoi در آلمانی. تکرار شم نیز گاهی برای شوخی به کار می‌رود؛ Dead- shmead, Yiddish is still a spoken language

ح. بی‌هدفی و ابهام: گاه تکرار بی‌هدفی را می‌رساند؛ duduk (نشستن) و dudukduduk (نشستن و کاری نکردن) در مالایی، نیز merah merah (قرمز) و merah merah (متمایل به قرمز).

خ. انعکاس: در برخی زبان‌ها تکرار نشان‌دهندهٔ ویژگی انعکاس است؛ hormati (احترام) و hormat-menghormati (به یکدیگر احترام گذاشتن) در مالایی.

د. بیان زندگی؛ bula (زندگی) و bulabula (سلام، خداحافظی، خوشامدگویی و عافیتِ هنگام عطسه) در زبان فیجینی.

#### ۴- تحلیل داده‌ها

##### ۴-۱- انواع تکرار در واژه‌های مکرر تالشی

در این پژوهش ۲۸۱ واژهٔ مکرر گردآوری شد. از اینها ۱۶۸ واژه تکرار کامل (۱۰۳ واژه تکرار کامل نافزوده، ۶۵ واژه تکرار افزودهٔ میانی و پایانی) و ۵۰ واژه تکرار ناقص داشتند. ۲۴ واژه دارای تکرار وزین و ۳۹ واژه دارای انواع دیگر تکرار بودند. بیشترین واژه‌های مکرر در تکرار کامل نافزوده، سپس در تکرار کامل افزوده و پس از آن در تکرار ناقص پسوندی بود. همهٔ مقولات به‌دست‌آمده اسم، قید یا صفت بودند. بسامد هر مقوله مشخص شده است.



## ۱-۴-۱- تکرار کامل

در تکرار کامل تمام پایه تکرار می‌شود (کاتامبا، ۲۰۰۶: ۱۸۲) و دو نوع تکرار کامل نافزوده و تکرار کامل افزوده دارد. در نافزوده هیچ پسوند یا پیشوندی به پایه اضافه نمی‌شود و پایه تکرار می‌شود. جدول ۱ نمونه‌ای از این نوع تکرار در گویش تالشی است:

جدول ۱- تکرار کامل نافزوده در واژه‌های مکرر تالشی

تکرار کامل نافزوده	معنی و طبقه دستوری	تکرار کامل نافزوده	معنی و طبقه دستوری
vili vili	حرکت - اسم	xələ xələ	دعوا، بگومگو - اسم
igəla igəla	یکی یکی - قید	indzan indzan	بریده بریده - صفت
peila peila	تکان تکان - اسم	bezan bezan	زدخورد - اسم
bidza bidza	کم کم - قید	pər pər	لرزش - اسم
xuma xuma	خانه‌های کوچک - اسم	fəng fəng	نق و نوق - اسم
taGa taGa	چکه چکه - قید	tʃala tʃala	گودال گودال - اسم
peku peku	تکان تکان - اسم	sifa sifa	جداجدا - قید
lasa lasa	لخته لخته - صفت	dʒara dʒara	هیاهو - اسم
məfta məfta	مشت مشت - قید	gəla gəla	دانه دانه - قید
ispi-ispi	سفیدسفید - اسم	kula kula	گروه گروه - قید

از ۱۰۳ واژهٔ مکرر ۴۵ درصد اسم، ۳۶ درصد قید و ۱۹ درصد صفت است. برخی از مقولات دستوری همانند مقولات دستوری پایه است.

تکرار افزوده خود دو نوع است: افزودهٔ میانی و افزودهٔ پایانی. ۶۵ واژه در تالشی براساس تکرار افزودهٔ میانی و پایانی به دست آمده است. در افزودهٔ میانی غالباً حرف اضافه ba یا واکه‌های a، ə، i بین پایه و جزء مکرر می‌آید:

جدول ۲- تکرار کامل، افزودهٔ میانی در واژه‌های مکرر تالشی

تکرار کامل افزودهٔ میانی	معنی و مقوله دستوری	تکرار کامل افزودهٔ میانی	معنی و مقوله دستوری
dafa ba dafa	گاه گاه - قید	vaɖz a vaɖz	گفت و گو - اسم
gial ba gial	دفعه به دفعه - قید	dim a dim	چهره به چهره - قید
zurazur	به زور - قید	daG a daG	باداگی - قید
fəkəri fəkər	شکر بسیار - اسم	tun ba tun	گور به گور - صفت
pas a pas	عقب عقب - قید	tav a tav	بی وقفه - قید
tak ba tak	کنار هم - قید	xel a xel	متخلخل - صفت

بیشترین مقوله دستوری قید است با ۵۱ درصد، سپس اسم و صفت با ۴۰ و ۹ درصد. در تکرار افزوده پایانی پسوندهای i و e با بیشترین و kar و dar با کمترین بسامد به انتهای جزء مکرر اضافه می‌شود:

جدول ۳- تکرار کامل، افزوده پایانی در واژه‌های مکرر تالشی

معنی و مقوله دستوری	تکرار کامل افزوده پایانی	معنی و مقوله دستوری	تکرار کامل افزوده پایانی
لج و لجباری - اسم	tasəb tasəbe	لگد - اسم	pasar pasare
پیشاپیش - قید	nar nare	غلت غلتان - قید	gələl gəlele
شتابان - قید	tav tave	کج کجکی - قید	var vare
کجکی - قید	tʃap tʃapake	غرغرو - صفت	zər zəri

قید با ۵۵ درصد بیشترین و اسم با ۳۵ و صفت با ۱۰ درصد کمترین بسامد را دارند.

#### ۲-۱-۴- تکرار ناقص

در تکرار ناقص بخشی از کلمه پایه در کپی پایه حذف می‌شود یا تغییر می‌یابد. اگر بخش حذف شده یا تغییر یافته پس از پایه قرار گیرد، تکرار ناقص پسوندی و اگر پیش از پایه قرار گیرد، تکرار ناقص پسوندی است (شفاقی و حیدرپور بیدگلی، ۱۳۹۰). در تالشی تکرار ناقص پسوندی بسیار بیشتر از نوع پیشوندی آن است:

جدول ۴- تکرار ناقص پسوندی در واژه‌های مکرر تالشی

معنی و مقوله دستوری	تکرار ناقص پسوندی	معنی و مقوله دستوری	تکرار ناقص پسوندی
گرفتار و دربند - صفت	asir abir	بله‌برون - اسم	axər abər
به‌هم‌ریخته - صفت	aliz valiz	جست‌وخیز - اسم	bəvaz avaz
زیگزاگ - اسم	tʃapə tʃul	اینجاوآنجا - قید	əntija atija
لیس - اسم	alis vilis	دوخت‌ودوز - اسم	adarz vidarz
این‌پهلوی آن‌پهلوی - اسم	agardən vigardən	زدو خورد - اسم	bəzan aʒan

اسم با ۸۷.۵ درصد بیشترین، و قید و صفت با ۶.۲۵ درصد کمترین بسامد را دارند. براساس داده‌ها در برخی موارد همخوان و واکه آغاز هجا تغییر کرده و در جزء مکرر تکرار شده است: adarz vidarz. گاه تنها همخوان آغازی پایه تکرار شده و پس از پایه قرار گرفته است: tʃapə tʃul.

## جدول ۵- تکرار ناقص پیشوندی در واژه‌های مکرر تالشی

معنی و مقوله دستوری	تکرار ناقص پیشوندی	معنی و مقوله دستوری	تکرار ناقص پیشوندی
بال‌وپر زدن - اسم	tʃaGal baGal	ناخونک - اسم	tʃara tʃina
چک‌وچانه - اسم	tʃəkə tʃuna	قاطی‌پاطی - اسم	paʃi aʃi

در این نوع تکرار تنها مقوله‌های اسم و صفت یافت شدند. ۸۰ درصد داده‌ها اسم و بقیه صفت بودند. این نوع تکرار غالباً با تکرار همخوان آغازین همراه است.

## ۳-۱-۴- تکرار زبان کودکان

کودکان از شش ماهگی قادر به تقلید و تولید آوا هستند. گفتار آنها از آوا به هجا و سپس به گروه و جمله گسترش می‌یابد. تکرار هجاهای زبان تا حدود دوسالگی ادامه دارد. مثلاً زهرا به صورت lala تولید می‌شود. در تالشی نیز تکرار در گفتار کودکان بسیار هست و معنی دارد:

جدول ۶- تکرار زبان کودکان<sup>(۳)</sup>

معنی و مقوله دستوری	تکرار زبان کودکان	معنی و مقوله دستوری	تکرار زبان کودکان
دوش - اسم	Lala	غذا، خودنی - اسم	Papa
لالایی - اسم	lailai	دست - اسم	tʃatʃa
پرنده - اسم	Titi	بچه یا عروسک - اسم	tata
لباس - اسم	Pupu	پستانک - اسم	tʃuʃu
پدر - اسم	Dada	گوسفند - اسم	Dudu

تکرار زبان کودکان تنها در مقوله اسم و به صورت تکرار کامل است.

## ۴-۱-۴- تکرار وزین

تکرار وزین یا آهنگین همانند تکرار ناقص پیشین و پسین است اما وزن و هجای بخش تکرار شونده مانند بخش دیگر است. در تکرار آهنگین هموزن بودن الزامی است. در تکرار ناقص پسین و پیشین، بخش مکرر الزاماً نباید هموزن با بخش پایه پیش یا پس از خود باشد. در تکرار ناقص بخش پایه به تنهایی نیز می‌تواند به کار رود مانند «اسیرابیر» و «آلیزوالیز»، اما در تکرار وزین جزء مکرر به ندرت تنها به کار می‌رود.

## جدول ۷- تکرار وزین در تالشی

معنی و مقوله دستوری	تکرار وزین	معنی و مقوله دستوری	تکرار وزین
توجه - اسم	dedes ades	تنبیل - صفت	səsli pəsli
محبت - اسم	ulusi pulusi	خوش‌وبش - اسم	mafi taʃi
درب‌داغان - اسم	urag turag	جمع‌وجور - اسم	dapartʃin ɸapartʃin

۸۱ درصد واژه‌های به‌دست‌آمده از این نوع تکرار اسم و ۱۹ درصد صفت‌اند.

## ۵-۱-۴- تکرار با دگرگونی واکه

در این تکرار همخوان‌ها در جزء مکرر ثابت‌اند و تنها واکه تغییر می‌کند:

## جدول ۸- تکرار با دگرگونی واکه ها در تالشی

معنی و مقوله دستوری	دگرگونی واکه	معنی و مقوله دستوری	دگرگونی واکه
پچ - اسم	guʃa guʃe	گلاویز - اسم	xua xue
سر به سر - اسم	zera zeri	قیل و قال - اسم	harai hurai
بالا و پایین - اسم	dʒir dʒur	مزه - اسم	maratʃ murutʃ

داده‌ها اسم‌اند و گرایش به واکه‌های افراشته i و u است.

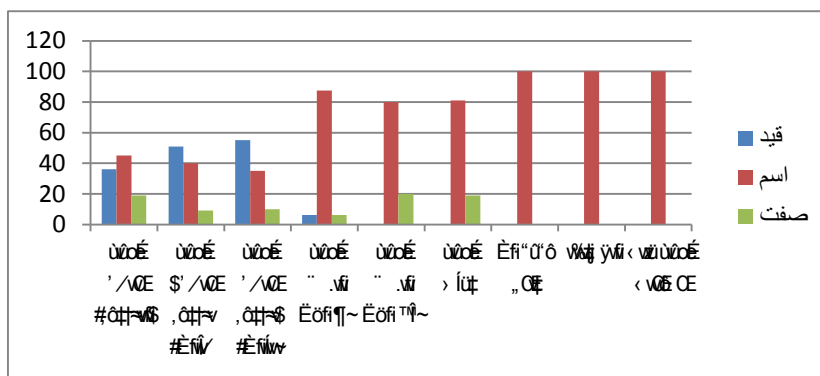
## ۶-۱-۴- تکرار در نام‌آواها

## جدول ۹- تکرار در نام‌آواها

معنی	نام‌آوا	معنی	نام‌آوا
صدای شعله آتش	kəl kəl	شُر شُر	ʃər ʃər
صوت برای صدا زدن	lei lei	صوت فراخوانی گربه	piʃ piʃ
صدای خندیدن	kər kər	صوت دور کردن گربه	piʃt piʃt
خش خش برگ	ʃəp ʃəp	صوت سوختن گوشت	dʒezəg vezəg

در این تکرار همگی اسم‌اند. پایه کاملاً تکرار می‌شود. تنها در dʒezəg vezəg همانند تکرار ناقص جزء مکرر هموزن با پایه وجود دارد.

نمودار ۱- فراوانی مقوله‌های دستوری قید، اسم و صفت در واژه‌های مکرر تالشی



براساس نمودار درصد فراوانی اسم در انواع تکرار بیشتر است، جز در تکرار کامل افزوده میانی و پایانی که در آنها قید بسامد بیشتری دارد.

از انواع دیگر تکرار که کافمن (۲۰۱۵) معرفی کرده دوگان‌سازی اسم و تکرار shm است. در تالشی تکرار یا دوگان‌سازی در اسامی عمومیت ندارد و به‌ندرت در برخی نام‌های کودکان در شرایط خاص و غالباً برای تحبیب به کار می‌رود. مثلاً اگر نگین کوچکترین فرزند باشد او را نی‌نی خطاب کنند. تکرار shm نیز در فارسی و تالشی کاربرد ندارد.

#### ۴-۲- کاربردهای تکرار

در میان کاربردهای تکرار به اعتقاد کافمن، در واژه‌های مکرر تالشی جمع اسامی کاربرد ندارد زیرا هیچ‌یک از اسامی تالشی با دوگان‌شدن جمع بسته نمی‌شوند. زمان افعال تغییر نمی‌کند و انعکاس و بیان زندگی نیز کاربرد ندارد. تنها شدت و افزایش، کثرت و جامعیت، بی‌هدفی و شباهت در واژه‌های مکرر تالشی هست. در ادامه نمونه‌هایی از انواع تکرار در تالشی:

تکرار کامل نافزوده: radɟa radɟa (راه‌راه)، dassa dassa (دسته‌دسته)، əʃka əʃka (پاره‌پاره) و tʃula tʃula (دورنگ‌دورنگ) نشان‌دهنده مفهوم شدت. dassi dassi (دستی) و dassi dassi (بیخودی و بیهوده) کاربرد بی‌هدفی. xuma xuma (خانه کوچک) و xuma xuma (خانه‌های کوچک کنار هم) نشان‌دهنده کثرت. شدت و افزایش بسامد بالاتری نسبت به دیگر انواع کاربرد در تکرار کامل نافزوده دارند.

تکرار کامل افزوده میانی: xelaxel (متخلخل)، dagG a daG (بسیار داغ) و نیز fəkar i fəkar (شکر بسیار) نشانگر کاربرد کثرت، شدت و افزایش. کاربرد دیگری نیز در این واژه‌ها

به‌وفور یافت شده که در طبقه‌بندی کافمن نیامده‌است. این کاربرد مربوط به قیده‌است و انوری و گیوی (۱۳۷۰: ۲۳۶) آن را قید تدریج نامیده‌اند. ما نیز این کاربرد معنایی را تدریج می‌نامیم: daGa ba daGa (لحظه‌به‌لحظه)، ma ba ma (ماه‌به‌ماه)، dafa ba dafa (گاه‌به‌گاه)، ruz ba ruz (روز‌به‌روز)، sal ba sal (سال‌به‌سال)، dir a dir (دیر‌به‌دیر)، fat ba fat (وقت‌به‌وقت)، gial ba gial (دفعه‌به‌دفعه). معنای حالت و کیفیت نیز در تکرار کامل افزوده میانی هست: ru ba ru (روبه‌رو)، dim a dim (چهره‌به‌چهره)، kaf ba kaf (هم‌آغوش)، tun ba tun (گوره‌گور).

تکرار کامل افزوده پایانی: dua duakar (غُرغُری)، gəlel gəlel (غلطان)، tasəb tasəbe (لجبازی)، pasar pasare (لگدپرانی) نشانگر شدت. xis xisadar (سراپاخیس) نشانگر کثرت. تکرار ناقص، تکرار وزین و دگرگونی واکه‌ای: dʒin dʒili (ریزه‌میزه)، bəmer əmər (مرگ‌ومیر)، tʃula pula (آت‌و‌آشغال)، tʃamə xam (فوت‌وفن)، pafi əfi (قاطی‌باطی)، vidarz (دوخت‌ودوز) نشان‌دهنده کثرت و جامعیت. tʃima mima (چه‌کنم چه‌کنم)، pezer azer (پاره‌پوره)، daviar aviar (رفت‌وآمد) gufa gufe (پچ‌پچ) نشانگر شدت.

### ۳-۴- تحلیل آوایی فرایند تکرار

هجا واحد آوایی مرکب است که از یک یا چند واحد زنجیری و یک یا چند واحد زبرزنجیری ترکیب شده باشد و ضرورتاً یکی از واحدهای زنجیری آن دارای مختصه هجایی باشد و واحدهای زنجیری موجود در آن از نظر آوایی بر هم تأثیر متقابل گذاشته باشند، به‌طوری‌که از طریق تأثیرهای متقابل آنها نوعی یگانگی در آن آشکار شده باشد (حق‌شناس، ۱۳۷۳: ۱۳۸). نغزگو (۱۳۷۳) و رضایتی (۱۳۸۶) الگوی واژه‌های تک‌هجایی تالشی را شش نوع دانسته‌اند:

جدول ۱۰- هجا در گویش تالشی<sup>(۴)</sup>

هجا	مثال	معنا
V	A	آن
VC	av	آب
VCC	aftʃ	بی‌مزه
CV	ga	گاو
CVC	pis	کچل
CVCC	ganz	گوزن

الگوی کلی ساختمان هجا در تالشی ((C) V (C) است. بر این اساس هجای کمینه V و استفاده از یک همخوان در آغاز و یک یا دو همخوان در پایانه هجا اختیاری است. در تالشی اولین واج در ساخت هجا ضرورتاً همخوان نیست. در ساخت هجایی نیز دو واکه پیاپی نمی‌آید.

### ۱-۳-۴- تکرار کامل

با توجه به داده‌ها، در جدول ۱۱ آماری از ساخت هجایی کلمات پایه‌ای در انواع تکرار کامل در تالشی آمده‌است. تمام کلمات پایه و تعداد دفعات حضورشان در تکرار کامل محاسبه شده‌است:

۱۱- جدول بسامد انواع ساخت هجا در تکرار کامل گویش تالشی

تعداد هجا	مثال و معنی	ساخت هجای پایه	تکرار کامل نافزوده	تکرار کامل افزوده	مجموع واژه‌ها
تکرار یک هجا	ru ba ru (روب‌رو)	CV	۰	۳	۳
	zər zər (حرف زیاد)	CVC	۲۳	۳۸	۶۱
	fəŋg fəŋg (نق‌نق)	CVCC	۱	۰	۱
تکرار دو هجا	sifa sifa (جداجدا)	CV-CV	۵۱	۱۲	۶۳
	tefka tefka (گره‌گره)	CVC-CV	۱۶	۱	۱۷
	bəlan bəlan (بلندبلند)	CV-CVC	۷	۷	۱۴
	ispi ispi (درخشنده)	VC-CV	۲	۰	۲
	indgan indgan (خردخرد)	VC-CVC	۱	۰	۱
	dəmbəl-dəmbəle (دنبال‌بازی)	CVC-CVC	۰	۲	۲
	dua duakar (غُرغُری)	CV-V	۰	۱	۱
	ivar ivari (کج‌کجکی)	V-CVC	۰	۱	۱
itija itija (کم‌کم)	V-CV-CV	۲	۰	۲	
جمع کل			۱۰۳	۶۵	۱۶۸

تعداد تکرار کامل نافزوده ۱۰۳ و تعداد تکرار افزوده ۶۵ است. در این جدول تنها ساخت‌های هجایی که در فرایند تکرار کامل حضور داشتند را آورده‌ایم. مثلاً در میان واژه‌های تک‌هجایی ساخت‌های V، VC و VCC شرکت نداشتند و نیامدند. آمار نشان می‌دهد تعداد کلمات تک‌هجایی و سه‌هجایی کمتر از واژه‌های دوهجایی است. در میان واژه‌های تک‌هجایی ساخت CVC و در میان واژه‌های دوهجایی ساخت CV-CV بیشترین بسامد را دارد. جدول ۱۲ میزان مشارکت هر یک از این سه نوع واژه را در انواع تکرار کامل نشان می‌دهد:

جدول ۱۲- مقایسهٔ مجموع حضور کلمات پایه با ساخت هجایی متفاوت در انواع فرایند تکرار کامل

مجموع	تکرار کامل افزوده	تکرار کامل نافزوده	ساخت هجایی پایه
۶۵	۴۱	۲۴	واژه‌های تک‌هجایی
۱۰۱	۲۴	۷۷	واژه‌های دوهجایی
۲	۰	۲	واژه‌های سه‌هجایی
۱۶۸	۶۵	۱۰۳	مجموع

واژه‌های سه‌هجایی کمترین و واژه‌های دوهجایی بیشترین حضور را در تکرار کامل نافزوده دارند. در تکرار کامل افزوده بسامد پایه‌های تک‌هجایی بسیار بیشتر از پایه‌های دوهجایی است.

### ۲-۳-۴ تکرار ناقص

در جدول ۱۳ به دلیل فضای کم تنها نمونه‌هایی از انواع تکرار ناقص (پسوندی و پیشوندی) برحسب جزء پایه آمده. زیر هجای مورد نظر خط کشیده شده است.

جدول ۱۳- بسامد انواع ساخت هجا در تکرار ناقص تالشی

مجموع	ساخت هجایی جزء مکرر	ساخت هجایی پایه		مثال و معنی پایه	انواع ساخت هجا	
		تکرار ناقص	تکرار کامل		تک‌هجایی	دوهجایی
۷	۵	۲	۱۵	vətfli vəz (جست‌وخیز)	CVC	
۲۵	۴۰	۳۹	۱۵	tʃəkə tʃuna (چک‌وچانه)	CV-CV	دوهجایی
۲			۲	əntə ata (این‌طور و آن‌طور)	VC-CV	
۱۶			۱۰	vikar akar (بسته و باز)	CV-CVC	
۵			۱	tʃərtə tʃula (پرت‌وپلا)	CVC-CV	
۶			۴	ila dəgla (مشاجرہ)	V-CV	
۱۲			۳	aras viras (باری)	V-CVC	
۲			۱	darəndɔ arəndɔ (کش‌واکش)	CV-CVCC	
۱			۰	.	CVC-CVC	
۳			۱	adarz vidarz (دوخت‌ودوز)	V-CVCC	
۶	۱۰	۱۱	۴	asira abiri (اسیری)	V-CV-CV	سه‌هجایی
۲			۰	.	CV-CV-CV	
۵			۳	davijar avijar (رفت‌وآمد)	CV-CV-CVC	
۳			۲	pevafkən avafkən (زیرورو)	CV-CVC-CVC	
۲			۱	agardən vigardən (این‌پهلو آن‌پهلو)	V-CVC-CVC	
۳			۱	alaxən vilaxən (سرگردان)	V-CV-CVC	
۱۰۰	۵۰	۵۰	جمع کل			



واژه‌های دوهجایی بیشتر پایه فرایند تکرار ناقص در تالشی قرار گرفته‌اند. بسامد واژه‌های سه‌هجایی در مقایسه با واژه‌های تک‌هجایی بیشتر است. ساختار هجایی جزء مکرر همانند پایه در واژه‌های دوهجایی از ساخت‌های دیگر بیشتر است. میزان مشارکت جزء مکرر واژه‌های تک‌هجایی کمی بیشتر از جزء پایه است اما همچنان از واژه‌های سه‌هجایی کمتر است. ساخت هجایی CV-CV بالاترین بسامد را در واژه‌های دوهجایی و انواع ساخت‌های هجایی دارد و پس از آن CV-CVC در پایه و V-CVC در جزء مکرر بالاترین بسامد را دارد. در واژه‌های سه‌هجایی V\_CV\_CV در پایه و CV\_CV\_CV در جزء مکرر بیشترین بسامد را دارد.

### ۳-۳-۴ تکرار وزین

در این نوع تکرار از آنجاکه تعیین پایه مشکل است به بررسی ساختار هجا در جزء اول و دوم واژه‌های تک‌هجایی، دوهجایی و سه‌هجایی پرداخته‌ایم:

جدول ۱۴- بسامد انواع ساخت هجا در تکرار وزین در تالشی

مجموع	ساختار هجایی جزء دوم		ساختار هجایی جزء اول		مثال و معنی از جزء ابتدای هجا	انواع ساخت هجایی	
۲	۱		۱		tʃam xam (فوت‌وفن)	CVC	تک‌هجایی
۹	۱۹	۲	۲۰	۷	pezer azer (پاره‌پوره)	CV-CVC	دوهجایی
۴		۳		۱	səsli pəsli (تنبل)	CVC-CV	
۱۱		۵		۶	kuri buri (صبح خیلی زود)	CV-CV	
۸		۶		۲	urag turag (درب‌داغان)	V-CVC	
۱		۰		۱	anga funga (بهانه)	VC-CV	
۱		۰		۱	arfun virfun (زیرورو)	VC-CVC	
۲		۱		۱	ala vila (تکان خوردن)	V-CV	
۱		۱		۰	.	CVC-CVC	
۲		۵		۰	۴	۲	
۱	۰		۱	perufun arufun (زیرورو)		CV-CV-CVC	
۲	۲		۰	.		V-CVC-CVC	
۱	۱		۰	.		CV-CV-CV	
۱	۱		۰	.		CV-CVC-CV	
۱	۰		۱	ujusli pujusli (درمان)		V-CVC-CV	
۱	۱		۰	.		V-CV-CVC	
۴۸	۲۴		۲۴	جمع کل			

براساس جدول در این نوع تکرار نیز بالاترین بسامد در واژه‌های دوهجایی است و ساخت هجایی CV-CVC در پایه و V-CVC در جزء مکرر مشارکت بیشتری داشته‌اند. مشارکت واژه‌های سه‌هجایی از تک‌هجایی بیشتر است.

#### ۴-۳-۴- تکرار زبان کودکان، تکرار با دگرگونی واکه و نام‌آواها

در این سه نوع تکرار داده‌ها از انواع دیگر کمتر است. در تکرار زبان کودکان تنها ساختی که مشارکت دارد CV است و به دلیل سهولت در تولید الفاظ کودکانه بدیهی است. در تکرار با دگرگونی واکه تنها ساخت‌های تک‌هجایی CVC و دوهجایی CV-CVC و CV-CV با بسامد یکسان مشارکت داشته‌اند.

جدول ۱۵- بسامد انواع ساخت هجا در نام‌آواها در تالشی

نام‌آواها	مثال و معنی	انواع ساخت هجا	
۲	tʃe tʃe (صوت بُز)	CV	تک‌هجایی
۹	kər kər (صوت خندیدن)	CVC	
۲	pufu pufua (صوت گوسفند)	CV-CV	دوهجایی
۱	dʒezəg vezəg (سوختن گوشت)	CV-CVC	
۱	pusua pusua (صوت نمک دادن گوسفند)	CV-CV-V	سه‌هجایی
۱	bəzɒtʃi bəzɒtʃi (صوت جمع‌آوری بُزها)	CVC-CV-CV	
۱	avardʒa avardʒa (صوت بازگرداندن رمه)	V-CVC-CV	
۱۷	مجموع		

براساس جدول تعداد واژه‌های تک‌هجایی بیشتر از دوهجایی و سه‌هجایی است و ساخت هجایی CVC دارای بالاترین میزان مشارکت در مقایسه با انواع ساخت‌های هجایی دیگر است. در هیچ‌کدام از انواع تکرار، ساخت چهارهجایی مشارکت ندارد و ساخت تک‌هجایی CVC در انواع تکرار غیر از زبان کودکان مشارکت فعال دارد. در واژه‌های دوهجایی ساخت‌های هجایی CV-CV، CV-CVC، V-CVC و CVC-CV حضور بیشتری دارند. ساخت‌های سه‌هجایی CV-CV-CVC، CV-CVC-CVC نیز بسامد بالاتری دارند.

## ۵- نتیجه‌گیری

با بررسی فرایند تکرار در تالشی می‌توان دریافت از میان انواع تکرار از نظر کافمن (۲۰۱۵)، تکرار کامل از فراوانی بیشتری دارد. اکثر داده‌های این گویش دارای تکرار کامل (ناافزوده و افزوده) بودند. تکرار ناقص و وزین نیز در واژه‌های متعددی وجود دارد. تکرار با دگرگونی واکه، تکرار زبان کودکان و تکرار در نام‌آواها کمترند. به لحاظ دستوری فراوانی مقوله اسم در واژه‌های مکرر بیشتر است و از ترکیب اسم، صفت و فعل به دست آمده. تنها در تکرار کامل افزوده قید از دیگر مقوله‌ها بیشتر است. جمع اسامی و زمان افعال با تکرار واژه‌ها به دست نمی‌آید. اما به لحاظ معنایی می‌توان به شدت، افزایش، جامعیت، کثرت و شباهت در واژه‌های مکرر به دست آمده، اشاره نمود.

بررسی ساخت هجا نشان داد که در میان واژه‌های تک‌هجایی تالشی ساخت CVC دارای بیشترین بسامد است. این با نتایج فیاضی (۱۳۹۲) در واژه‌های مکرر گیلکی تطابق دارد اما در ساختار واژه‌های دوهجایی بین گیلکی و تالشی تفاوت دیده می‌شود. در تالشی ساخت CV-CV و در گیلکی CV-CVC بالاترین بسامد را دارند. در ساخت‌های سه‌هجایی نیز CV-CV-CVC ، CV-CVC-CVC بسامد بالاتری دارند.

## پی‌نوشت

- ۱- مالایی (Malay) زبان ساکنان شبه‌جزیره مالایا، جنوب تایلند، سنگاپور و شمال شرقی سوماترا.
- ۲- مثال‌های این بخش برگرفته از کافمن (۲۰۱۵) است.
- ۳- در جمع‌آوری داده‌های جدول، از گویشوران تالشی روستاهای اطراف ماسال یاری گرفته‌ایم.
- ۴- در تالشی ماسال، شاندمن، صومعه‌سرا و شفت همخوان انسدادی چاکنایی /ʔ/ تمایز واجی ندارد و گویشوران در آغاز هجا علاوه بر همخوان از واکه نیز استفاده می‌کنند. این به لحاظ آزمایشگاهی اثبات شده و نگارنده براساس شم زبانی هجاها را براساس واکه‌ها و همخوان‌های آغاز هجا تحلیل کرده‌است.

## پیوست

## ۱- نشانه‌های آوانگاری

واکها	مثال	معنی فارسی	z	ziri	دیروز
a	aven	آنها	ʃ	ʃana	امشب
a	av	آب	ʒ	ʒen	زن
e	esba	اسب	tʃ	tʃa	چاه
u	aru	گوجه‌سبز	dʒ	dʒələxta	جلیقه
i	dil	دل	f	fet	پُر
ə	əm	این	v	var	برف
همخوان‌ها	مثال	معنی فارسی	m	murdʒəna	مورچه
b	bebu	بشود	n	nera	مشک
p	pigeta	برداشت	l	liv	برگ
t	tum	بذر	r	rət	گل‌ولای
d	dar	درخت	x	xalu	دایی
k	Ka	خانه	h	harai	فریاد
g	gaf	حرف	j	jar	دوست
s	sur	شور	G	Gam	حفظ

## ۲- داده های تکرار در گویش تالشی

۲-۱- تکرار کامل نافروده: ʃema ʃema (گودال گودال)، ʃəla ʃəla (چکه‌چکه)، ʃuna ʃuna (دانه‌دانه)، ʃula ʃula (دورنگ‌دورنگ)، xala xala (شاخه‌شاخه)، xanda xanda (خنده‌خنده)، xəda xəda (خداخدا)، xərda xərda (ریزریز)، xəl xəl (متخلخل)، xuma xuma (خانه‌های کوچک)، dasi dasi (بیپوده)، dassa dassa (دسته‌دسته)، duna duna (دانه‌دانه)، radʒa radʒa (راه‌راه)، rexa rexa (پاره‌پاره)، rija rija (راه‌راه)، riʃka riʃka (ریش‌ریش)، zər zər (غُرغُر)، zəga zəga (قطره‌قطره)، zəg zəg (غُرغُر)، gale gale (لنگان)، gər gər (غُرغُر)، gilil gilil (فرفری)، lasa lasa (لخته‌لخته)، linga linga (لنگه‌لنگه)، məza məza (بازی)، məza məza (چشیدن)، mina mina (لابه‌لا)، nəsva nəsva (نصف)، vara vara (ریزریز)، vatʃa vatʃa (کم‌کم)، vər vər (وراجی)، vili vili (حرکت)، hetav hetav (باعجله)، jara jara (یاره‌یاره - له‌شده)، javaf javaf (آرام‌آرام)، pəs pəs (نجوا)، xanga xanga (تاریک)، ʃanga ʃanga (دسته‌دسته)، dʒarga dʒarga (باهم)، gər gər (شکایت)، par par (واژگون)، ʃər ʃər (هیاهو)، mər mər (زمزمه)، dʒara dʒara (هیاهو)، pal pal (تکه‌تکه)، pexər pexər (شوخی و جدل)، peku peku (تکان)، pela pela (تکان)، pəta pəta (مین‌مین)، pəʃ pəʃ (نجوا)، pər pər (لرزش)،

pəl pəl (غلغل)، xələ xələ (دعوا)، vala vala (تکه‌تکه)، bən bən (زیرزیر)، t̤ar t̤ar (چهار روز اول و آخر چله بزرگ و کوچک)، zenge zenge (لنگ‌لنگان)، geda geda (قلقلک)، fəng fəng (نق‌نق)، gaza gaza (ریش‌ریش)، gəl gəl (غلغل)، pila pila (دانه‌دانه)، taga taga (چکه‌چکه)، t̤ər t̤ər (سروصدا)، tija tija (تکه‌تکه)، tir tir (تحرک)، tika tika (تکه‌تکه)، d̤ər d̤ər (جلزولز)، sara sara (قالب‌قالب)، faga faga (تکه‌تکه)، fuza fuza (سوت)، kəta kəta (کم‌کم)، kəl kəl (شعله‌ور)، kowa kowa (پشته‌های متعدد)، kula kula (گروه‌گروه)، xed̤ xed̤ (قاچ‌قاچ)، kila kila (قسمت‌قسمت)، arəm arəm (شعله‌ور)، gala gala (شاخه‌شاخه)، lava lava (حرص)، luwa luwa (گفت‌وگو)، basa basa (آرام‌آرام)، itija itija (کم‌کم)، igəla igəla (یکی‌یکی)، ind̤an ind̤an (خردخرد)، bəzan bəzan (بسته‌بسته)، bəzan bəzan (زدوخورد)، bəlan bəlan (بلندبلند)، bid̤a bid̤a (کم‌کم)، tefka tefka (گره‌گره)، gərt̤ə gərt̤ə (قرچ‌قرچ)، gufa gufa (خوشه‌خوشه)، gula gula (فرفری).

۲-۲- تکرار کامل افزوده میانی: kaf ba kaf (هم‌آغوش)، kala ba kala (سربه‌سر)، fat ba fat (وقت‌به‌وقت)، kun a kun (عقب‌عقب)، gijal ba gijal (دفعه‌به‌دفعه)، linga ba linga (لنگه‌به‌لنگه)، ma ma (ماه‌به‌ماه)، mat̤f a mat̤f (روبوسی)، mina ba mina (لابه‌لا)، nuba ba nuba (نوبت‌به‌نوبت)، vat a vat (گفت‌وگو)، funa ba funa (دوشادوش)، par ba par (پهلوی‌هم)، bal ba bal (دست‌دردست)، pas a pas (عقب‌عقب)، xel a xel (متخلخل)، dim a dim (روبه‌رو)، gant̤ar ba gant̤ar (مجاورهم)، kut̤fa kut̤f (کوچ کردن)، vad̤a vad̤a (گفت‌وگو)، daga ba daga (لحظه‌به‌لحظه)، dafa ba dafa (گاه‌گاه)، dan bad an (دهان‌به‌دهان)، dira dir (دورادور)، ruz ba ruz (روزبه‌روز)، rub a ru (روبه‌رو)، zura zur (به‌زور)، sal ba sal (سال‌به‌سال)، sar ba sar (سربه‌سر)، faga ba faga (شاخه‌شاخه)، fəkəri fəkər (شکر بسیار)، fakar dar fakar (شکر بسیار)، he be he (خودشان با هم)، tava tav (بی‌وقفه)، tak ba tak (پهلوی‌پهلوی)، tun bat un (گوره‌گور)، d̤a ba d̤a (محل‌به‌محل)، d̤ur ba d̤ur (جوربه‌جور)، daga dag (باداغي)، das ba das (دست‌به‌دست)، ben (پایین‌پایین).

۲-۳- تکرار کامل - افزوده پایانی: tasəb tasəbe (لج‌ولج‌بازی)، d̤əxəs d̤əxəse (پنهانی)، d̤zir d̤zirake (زیرزیرکی)، t̤fap t̤fape (کج‌کجکی)، t̤fap t̤fapake (کجکی)، xisa xisadar (سراپاخیس)، narə narə (پیشاپیش)، dua duakar (غرغری)، zər zəri (غرغرو)، gələl gələle (غلتان)، var vare (کجکی)، axər axəre (در پایان)، ivar ivari (کج‌کجکی)، pasar pasare (لگدپرانی)، daxəs daxese (قایم‌موشک‌بازی)، dasa dasmal (دستمال جیبی)، dəmbəl dəmbəle (دنبال‌بازی)، gaz gaze (سربه‌سر گذاشتن)، tav tave (شتابان)، gur gura (کز کردگی)، las lase (بی‌حال)، gəz gəze (مورمور).

۴-۲- تکرار ناقص: gela mela (یکی دوتا)، tʃapa paʒa (بالاوپایین)، adarz vidarz (دوخت‌ودوز)، aliz valiz (به‌هم‌ریخته)، xafə bef (خوش‌وبش)، davijar avijar (گذشتن‌وبرگشتن)، harai hurai (قیل‌وقال)، tʃapəʃtʃul (زیگراگ)، tʃərtə tʃula (پرت‌وپلا)، bəmer amer (مرگ‌ومیر)، bəvaz avaz (جست‌وخیز)، pexun axun (زخم‌زیان)، peruf aruf (رفت‌وروب)، pesun asun (سوخت‌وسوز، ماسمالی)، vikar akar (بسته‌وباز)، dʒikar akar (خانه‌تکانی)، tʃula pula (آت‌وآشغال)، daxun axun (صدا زدن)، darəndʒ arəndʒ (کش‌واکش)، aras viras (یاری)، dʒin dʒili (ریزه‌میزه)، asa visa (ماسمالی)، afə laf (له‌ولورده)، agardən vigardən (این‌پهلو آن‌پهلو)، alaxən vilaxən (سرگردان)، alis vilis (لیسیدن)، asir abir (گرفتار)، asirə abiri (اسیری)، əntija atija (اینجا‌آنجا)، igəla bəkarəm (یک‌ودو)، ila dəgla (مشاجره)، bəʒan aʒan (زدو‌خورد)، beka maka (بکن‌نکن)، davijar avijar (بکنم‌نکنم)، dafars afars (پرس‌وجو)، dakku akku (ضربت)، vicar akar (رفت‌وآمد)، gare gati (هرج‌ومرج)، gamə gərsa (غصه)، dafars afars (پرس‌وجو)، tʃara tʃula pula (بسته‌وباز، آت‌وآشغال)، tʃagal bagal (بال‌وپر زدن)، bəvaz avaz (جست‌وخیز)، tʃara tʃula pula (ناخونک)، ana andʒa (خرندشده)، pafi afi (قاطی‌پاطی)، tʃəkə tʃuna (چک‌چانه)، vatʃli vətʃ (جست‌وخیز، سربه‌سر گذاشتن)، fatu fut (کچ‌ومعوج).

۵-۲- تکرار وزین: vikan akan (درکمین بودن)، dedes ades (توجه)، səslı pəsli (تنبل)، kuri buri (صبح زود)، mafı tafı (خوش‌وبش)، tʃam xam (فوت‌وفن)، tʃima mima (چه‌کنم چه‌کنم)، dapartʃin apartʃin (جمع‌وجور)، ujusli pujuşli (درمان)، urag turag (درب‌داغان)، daku aku (ضربت)، perufun arufun (زیرورو)، pevəşkan avəşkən (به‌هم‌زدن)، anga funga (بهانه)، arfun virfun (زیرورو)، vikər akər (درنگ)، pezer azer (پاره‌پوره)، axər abər (بله‌برون)، dʒəzə vəzə (جیزوویز)، perufun arufun (زیرورو)، azma vizma (سستی)، ala vila (تکان خوردن)، pesije (آه‌ناله).

۶-۲- نام‌آواها: avardʒa avardʒa (صوت بازگرداندن رمه)، bəzpəʃtʃi bəzpəʃtʃi (صوت جمع‌آوری بُزها)، pəʃtʃ pəʃtʃ (صوت بازخوانی گوسفند)، pusua pusua (صوت نمک دادن به گوسفند)، pufu pufua (صوت جمع‌آوری گوسفند)، dʒezəg vezəg (صوت سوختن گوشت)، dudua (صوت راه بردن رمه)، fəp fəp (صوت خش‌خش برگ‌ها)، kəl kəl (صدای آتش)، lei lei (صوت صدا زدن)، pif pif (فراخوانی گربه)، pift pift (دورکردن گربه)، tʃe tʃe (صوت بُز)، hili hili (راندن اُردک)، gər gər (صدای سرخ شدن)، kər kər (صدای خندیدن)، fər fər (صدای آب).

- ۷-۲ - تکرار زبان کودکان: pa pa (غذا)، du du (گوسفند)، la la (دوش)، ma ma (غذا)، ti ti (پرنده)، pu pu (لباس)، nai nai (رقص)، tfa tfa (دست)، ni ni (بچه)، lai lai (لالایی)، tfu tfu (پستانک)، dada (پدر)، na na (مادر)، ta ta (عروسک)، dzu dzu (پستان)، ta ta (تاتی).
- ۸-۲ - دگرگونی واژه: xua xue (گلاوین)، gufa gufe (پچ‌پچ)، harai hurai (های‌های)، zera zeri (سربه‌سر گذاشتن)، dʒir dʒur (بالاوپایین)، maratf murutf (مزه‌مزه کردن).

## منابع

- ارانسکی، ی. م. ۱۳۸۷. *زبان‌های ایرانی*. ترجمه ع صادقی. تهران: سخن.
- اشمیت، ر. ۱۳۸۲. «دیگر گویش‌های ایرانی باستان»، در *راهنمای زبان‌های ایرانی*، ترجمه آ بختیاری و دیگران. تهران: ققنوس.
- انوری، ح. و گیوی، ح. ۱۳۶۶. *دستور زبان فارسی*. تهران: فاطمی.
- حق‌شناس، ع. ۱۳۷۳. *آواشناسی*. تهران: آگاه.
- راسخ مهندس، م. ۱۳۸۸. «بررسی معنایی تکرار در زبان فارسی»، *زبان‌شناسی*. (۱) ۲۳: ۶۵-۷۴.
- راسخ مهندس، م. و محمدی راد، م. ۱۳۹۲. «بررسی صوری و معنایی تکرار در گویش کردی سورانی»، *زبان‌ها و گویش‌های ایرانی*. ۱۳۳-۱۴۶.
- رضایتی، م. ۱۳۸۶. *زبان تالشی*. رشت: فرهنگ ایلیا.
- رضایتی، م. و سلطانی، ب. ۱۳۹۴. «بررسی ساخت‌واژه‌ای، دستوری و معنایی فرایند تکرار در زبان فارسی»، *جستارهای ادبی*. (۱۸۹): ۸۱-۱۱۲.
- رفیعی، ع. ۱۳۸۶. *لغت‌نامه تالشی*. رشت: دانشگاه گیلان.
- شریعت، م. ۱۳۷۰. *دستور زبان فارسی*. تهران: اساطیر.
- شقاقی، و. ۱۳۶۷. *فرایند دوگان‌سازی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته زبان‌شناسی. دانشگاه تهران.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۷۹. «فرایند تکرار در زبان فارسی». *مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس زبان‌شناسی نظری و کاربردی*. ج ۱: ۵۱۹-۵۳۳.
- شقاقی، و. و ت حیدرپور بیدگلی. ۱۳۹۰. «رویکرد نظریه بهینگی به فرایند تکرار با نگاهی تازه بر واژه‌های مکرر فارسی». *پژوهش‌های زبان‌شناسی*. (۱) ۳: ۵۵-۶۶.
- فیاضی، م. ۱۳۹۲. «تکرار در گویش گیلکی»، *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*. (۶) ۳: ۱۶۰-۱۳۵.
- کلباسی، ا. ۱۳۸۰. *ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- لازار، ژ. ۱۳۸۴. *دستور زبان فارسی معاصر*. ترجمه م بحرینی. تهران: هرمس.
- مشیری، م. ۱۳۷۹. *فرهنگ اتباع*. تهران: آگاهان ایده.

- محمودی بختیاری، ب. و ز ذوالفقار کندی. ۱۳۹۴. «دوگان‌سازی کامل در زبان فارسی: یک بررسی پیکره بنیاد». پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران. ۳۱(۱): ۱۶۵-۱۵۱.
- منصوری، ی. ۱۳۸۴. بررسی ریشه‌شناختی فعل‌های زبان پهلوی. تهران: آثار.
- نصرتی سیاهمزی، ع. ۱۳۸۶. تالشی‌نامه. رشت: ایلیا.
- نغزگوی کهن، م. ۱۳۷۳. بررسی گویش تالشی دهستان طاسکوه ماسال. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران.
- نوبهار، م. ۱۳۷۲. «بررسی ساختمان قیدواژه در زبان فارسی»، رشد آموزش ادب فارسی. (۳۲): ۶۵-۶۰.
- Crystal, D. 1997. *The Cambridge Encyclopedia of language*. Cambridge University Press.
- Katamba, F. 2006. *Morphology*, Mackmillan, Hampshire, 2<sup>nd</sup> edition.
- Kauffman, C. 2015. *Reduplication reflects uniqueness and innovation in language, thought and culture*. York Collage of Pennsylvania.